



دلار در بهمن ماه نوسانات محدودی را تجربه کرد.

از عوامل افزایش قیمت دلار در دوماه پیش میتوان به : افزایش تقاضای فصلی و موعد تسویه حسابهای خارجی (ژانویه) و کاهش عرضه ارز پتروشیمی ها اشاره کرد. اما در این ماه اولین قیمت دلار ۳۸۷۰ تومان بود و در مرز ۳۷۹۹ بسته شد. بالاترین و پایین ترین قیمت نیز به ترتیب ۳۸۵۹ و ۳۷۹۷ بود.

در ابتدا، کاهش میزان تقاضا در بازار پس از عبور از اول ژانویه و عرضه مناسب بانک مرکزی، باعث کاهش تقاضا و نوسانات دلار شد.

در ادامه فروش ارز توسط صرافی های بانکی مهمترین عاملی بود که قیمت را در مسیر کاهشی قرار داد.

افت نرخ حواله درهم و پایین آمدن ارزش دلار در کشورهای همسایه از دیگر عواملی بودند که در افت قیمت اثرگذار بودند. نرخ حواله درهم و دلار داخلی به طور سنتی با یکدیگر رابطه مستقیم دارند و کاهش یکی منجر به افت دیگری میشود.

در این ماه، پدیده فروش دلار در حجم ۵ هزار تایی با نرخ دولتی بار دیگر اتفاق افتاده. مکانیزم این عرضه به این گونه است که متقاضی با کارت ملی و بانکی خود به محل صرافی عرضه کننده مراجعه میکند و در صفی قرار میگیرد که عمدتاً به دلیل پایین تر بودن قیمت در مقایسه با بازار آزاد طولانی است. صرافی عرضه کننده پس از ثبت معامله متقاضی دلار فروخته شده را در روز بعد تحویل می دهد.

بازارساز بهتر است به جای کنترل قیمت بوسیله ی این روش نادرست که قیمت را از جایگاه واقعی اش دور میکند و دوباره یک عده را به این سمت و سو کشانده و تقاضای سوداگری را افزایش میدهد به دنبال مدیریت نوسانات باشد و از تکانه های شدید نرخ ارز که به نفع هیچکس نیست جلوگیری کند.

اکنون بازار به گونه ای است که یک نرخش را صرافی های چهارراه استانبول، یک نرخش را صرافی های منتخب، یک نرخش را بانکها و نرخ دیگرش را ارز مبادله ای تعیین می کند.

خوشبختانه بازارساز بعد از چند روز با تغییر تاکتیک و خودداری از عرضه ارز ارزان به صف نشینی مقابل صرافی ها خاتمه داد. این سیاست علاوه بر کاهش سفته بازی موجب شد شاخص ارزی نیز از سقف قیمت پایین آمد.

در ۱۲ بهمن ماه افت تقاضا مهمترین عاملی بود که در کنار عرضه مساعد بازارساز زمینه ساز کاهش قیمت شد.

در ۲۳ بهمن ماه پایین آمدن اونس از محدوده هزار و ۲۴۰ دلار تا ساعت ۳ بعد از ظهر موجب شد شماری از سکه بازان برای حمایت از دارایی خود وارد بازار ارز شوند و دلار را گران کنند.

۲۵ بهمن روز دوشنبه، دلار ۹ تومان از ارزش خود را از دست داد و به قیمت ۳ هزار و ۸۱۶ تومان رسید. پایین آمدن نرخ حواله درهم، افت تقاضا در بازار و فروشنده شدن معامله‌گران سه عامل اثرگذار در ثبت این رکورد کاهشی بودند.

روند قیمت دلار در روزهای گذشته آرام و توأم با نوسانات بسیار محدودی بوده است.

در شرایط سیاسی کشور، سرنوشت نرخ ارز به شدت به روابط سیاسی-اقتصادی با جهان خارج بستگی دارد. بنابراین، اینکه دولت بتواند بر قیمت ارز در ماه‌ها و سال‌های آتی کنترل داشته باشد به عواملی همچون اقدامات دولت ترامپ در برخورد با تداوم توافق برجام، واکنش کشورهای اروپایی، اقدامات بخش سیاست خارجی دولت روحانی در مواجهه با اقدامات احتمالی دولت ترامپ و واکنش سایر کشورهای درگیر در توافق برجام، انتخابات آتی ایران و اینکه دولت روحانی مجدداً انتخاب شود و یا دولتی با دیدگاه‌های مخالف برجام بستگی دارد.

با توجه به شوک‌هایی که طی یک تا دو ماه اخیر در بازار ارز رخ داده و البته برقرار نشدن روابط کارگزاری در سطح مناسب با بانک‌های خارجی، اجرای یکسان سازی نرخ ارز به تعویق افتاده است و بعید به نظر می‌رسد در دولت روحانی، ارز تک‌نرخ‌ی شود.

در شرایط اقتصاد ایران، تک‌نرخ‌ی کردن قیمت ارز به معنی افزایش قیمت آن است. این اقدام می‌تواند مفید باشد به شرطی که دولت به اندازه کافی بر میزان ارز مدیریت داشته باشد تا بتواند افزایش شدید قیمت آنرا که از تک‌نرخ‌ی کردن قیمت ارز ایجاد می‌شود کنترل کند تا به کالاهای تولید شده در داخل از طریق تورم وارداتی شوک قیمتی وارد نکند.

نظام چندنرخ‌ی، مشکلات بسیاری از جمله ایجاد فساد و رانت و انحراف در اقتصاد را در پی دارد. خوشبختانه بسترهای لازم برای گذر به نرخ ارز یکسان فراهم شده و با مهیاتر شدن شرایط اقتصاد کلان این اقدام مهم در آینده عملیاتی خواهد شد.

ما از همان ابتدا به جای تلاش برای تولید و صدور کالاهای ساخته شده ناشی از اندیشه و ابداع، به استخراج و صدور مواد خام دیگر و یا محصولات خام کشاورزی روی آورده شد. نتیجه آنکه امروز، نه تنها وابستگی به ارزهای ناشی از فروش نفت کاهش نیافته بلکه علاوه بر نفت خام، مواد خام دیگری به نام صادرات غیرنفتی به اقلام صادراتی کشور افزوده شده و به این ترتیب تنها میزان خام فروشی کشور تقویت شده و در واقع، وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای ناپایدار ارزی تشدید شده است. امروز به غلط برخی به صادرات متزلزل حدود ۵۰ میلیاردی صادرات غیرنفتی خود می‌بالند. صادرات مواد به صورت خام در هر حال قابل تمجید نیست چه نفت باشد و چه سنگ‌های معدنی و چه میوه‌های خام و چه حتی محصولات نیمه خام پتروشیمی.

در نهایت آنچه به‌عنوان راهکار مطرح می‌شود، تغییر نگاه به مقوله نرخ ارز و تعدیل نرخ ارز واقعی با شاخص تورم داخلی در کنار اجرای سیاست‌های کنترل تورم، انضباط مالی دولت و سیاست‌های بهبود فضای کسب‌وکار است.

برای سرعت بخشیدن به رشد سرمایه‌گذاری در کشور، نیاز به منابع داخلی و همچنین دسترسی به منابع خارجی وجود دارد، و برای جذب سرمایه‌گذار خارجی و پوشش ریسک نوسانات نرخ ارز

در کشور چاره ای جز افزایش شفافیت بازار ارز و کاهش تقاضای ارز کاغذی از طریق آزادسازی نرخ ارز و ایجاد بازار مشتقه ارزی و اجرای پیمان های پولی نیست.